

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



گام های ۷-۸-۹: زمینه های تسهیل اقدام عملی در برنامه، طریق تزکیه اهل تقوا و سوء استفاده از فرصت ها از سوی افراد تزکیه نشده

جزوات دوره قرآن و تربیت (سیر تحول دینی در قرآن کریم)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالکریم بهجت پور

گام هفتم: عوامل تسهیل و دشواری عمل به برنامه تحول دینی مردم

بعد از آن که روشن شد راه رستگاری چیست در این جا به موضوع عنایات و نقش های پروردگار در تحول دینی مردم توجه می دهد. چرا گروهی مائل به دین می شوند و گروهی چنین نیستند و بلکه تمایل ضد دینی دارند. خدای متعال در ابتدا حرکت بر اساس برنامه رستگاری از حکمت توفیق و خذلان افراد در باره دین سخن و عوامل آن را یاد آور می شود تا با اصلاح آنها زمینه تغییر و تحول به سود رستگاری انسان ها تشریح شود.

سوره لیل نزول ۹ :

وَ اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَى (۱) وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲) وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى (۳) إِنَّ سَعِیْكُمْ لَشَتَّى (۴) فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ اتَّقَى (۵) وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَى (۶) فَسُئِرَ لَلْیُسْرِ (۷) وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى (۸) وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹) فَسُئِرَ لَلْعُسْرِ (۱۰) وَ مَا یُعْنَى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)

۱- نکته های تفسیری

«سعی»: کوشش فکری و عملی هدفدار و برای رسیدن به مقصود.

«یُسْرَى»: از «یسر» به معنی آسان شدن. کلمه «یسری» مؤنث «أیسر» به معنی آسان تر و آسان است.

«عُسْرَى»: مؤنث «عسر» به معنی سخت تر و دشوار.

مفسران «حُسْنَى» را وصفی دانسته اند که موصوفش محذوف است و به همین دلیل کلماتی چون طریقت، خصلت، وعده ی نیک را موصوف آن برشمرده اند.

ذکر نکردن موصوف «الحسنی» و نیز عدم ذکر متعلق «أَعْطَى» و «اتَّقَى» نشان می‌دهد که نفس بخشش، تقوا و تصدیق نیکی و آسانی‌ها، اهمیت دارد حال به هر چه تعلق بگیرد.

تصدیق یعنی حکمی که شخص بعد از تصور موضوع، انجام می‌دهد. پس فرد مورد نظر در آیه کسی است که با تصور نیکی‌ها حکم به نیک‌بودنشان می‌کند. گفتنی است، این نیکی مطلق بوده و وعده‌ی نیک، خصلت نیک، راه، گفتار، کردار یا عمل نیک و غیره را شامل می‌شود.

این‌گونه تصدیق علامت بیداری عقل عملی و بدیهی انسانی است؛ یعنی این افراد آن‌چنان آلوده نشده‌اند که نیکی را بدی و بدی را نیکی بپندارند. همچنین تصدیق ایشان نشانه‌ی عدم مقاومت در برابر نیکی‌ها و عدم انکار آن‌ها است. پس چنین افرادی خود را از اعمال بد، دور کرده و آماده تغییر مثبت می‌شوند.

«تیسیر» آماده‌سازی و مهیا کردن فرد است. و «یسری» به هر کاری که سهل و آسان باشد، اطلاق می‌شود. «تیسیر یسری» در واقع اشاره به تحول درونی شخصیت انسان دارد؛ یعنی جان انسان تیسیر یافته، به آسانی رو به شریعت و راهی می‌آورد که مستقیم است و دریچه‌ای به سوی آسانی دارد.

نکته‌ی قابل توجه این که استفاده از واژه‌ی «یسری» برای طریقت و راه شریعت اسلامی، از نظر تربیتی و هدایتی بسیار جذاب و قابل توجه است. طبیعت انسان از سختی و رنج‌گریزان است و تمایل به آسانی دارد. تلاش در شناخت بهترین راه‌ها و روش‌ها، با هدف رسیدن به آسانی صورت می‌گیرد. انتخاب چارچوبه‌های قانونی و حقوقی نیز با همین انگیزه است. قرآن با شناختی که از این خواست طبیعی انسان دارد، از نتایج عمل به دین و حتی راهی که منجر به آن نتایج می‌گردد، با واژه «یسری» یاد می‌کند تا انگیزه آسان‌طلبی انسان را تحریک کند و او را آماده پذیرش تغییر وضع موجود و حرکت به سمت دین بنماید و این مطلب در تربیت و هدایت، نقش انکارناپذیری دارد.

مراد از «استغنی» در اینجا از «استغنی» طلب ثروت از راه بخل و عدم انفاق می‌باشد. احساس بی‌نیازی از پروردگار و تقوا نورزیدن نتیجه شیفته شدن به داشته‌های مالی است. این گروه متمول چنان فریب می‌خورند که خود را به مال و درارایی‌هایشان خوشبخت ببینند و راهی برای شقاوت خود نبینند. اما افراد متقی با آزاد کردن خود از دست این اموال و توهمات ناشی از مال‌داری داشته‌هایشان را در راه آزادسازی جان و تزکیه مصرف می‌کنند.

در این آیه تکذیب کردن نیکی‌ها به طور مطلق بیان شده است، هر چند مصادیقی همچون طریق، بخشش و نظایر آن را شامل می‌شود، اما در آن‌ها محصور نمی‌گردد. پس این شخص هر گفتار، یا کردار و خصلت نیک را بعد

از تصور، تکذیب می کند و نشان می دهد که برای تغییر مسیر زندگی آماده نیست و نمی خواهد از محیط نامطلوب که بر مدار بدی ها می چرخد، خارج شود.

نظام ربوبی عالم این گونه است که شخصیت چنین فردی نه برای رفتن به سمت آسانی ها، بلکه مهیای رفتن به سوی راه های دشوار و نتایج تلخ و سخت باشد.

۲- نکته های تربیتی:

الف) ضرورت ترویج رفتار انسانی در سه ناحیه:

- بخشش و عطوفت اجتماعی

- اجتناب از روحیه یله گی و رهایی (تقوای عقلی در سوره علق: «او امر بالتقوی»)

- تصدیق نیکی های موافق عقل بدیهی و عرفی و نداشتن موضع مقاومت و تکذیب در برابر آنها

ب) اگر در جامعه یا افرادی گرفتار بخل از انفاق، و سرگرمی به مال اندوزی شود به گونه ای که هیچ ضابطه ای را در زندگی نپذیرد و نیز تکذیب نیکویی های عقل پسند را بکند، نه تنها حرکت به سمت دین و راه رستگاری تسهیل نمی شود بلکه شیب زندگی به سمت سختی ها و شقاوت است.

ت) مطلب مهمی که با استفاده از آیه «وما یعنی عنه ماله اذا تردی» استفاده می شود این که مال و دارایی می تواند تبدیل به یکی از بند ها و کند هایی باشد که انسان را دچار خود شیفتگی و ترک پیمودن راه رستگاران بکند. از این رو ثروت، قدرت، جاه و مقام و نظایر آن، انگیزه برای تغییر وضع موجود را کم می کند و از جمله موانع بزرگ اصلاح انسان است. صاحبان ثروت و قدرت با اتکای به این دارایی ها است که خود را در شرایط مطلوب دیده و نسبت به تغییر احساس بی نیازی می کنند و از همین موضع به تکذیب نیکی ها می پردازند. در واقع مال و دارایی چشم آنان را کور و چشمه ی عاطفه ی آنان را خشکانیده است. خدای متعال با یادآوری هلاکت و سقوط این افراد، چه در شکل عذاب دنیا و چه ورود به عالم برزخ و قیامت و سقوط در جهنم، بر این نکته تأکید می ورزد که این مال و دارایی، در آن خطر و سقوطی که در انتظار اینان است تأثیری نخواهد داشت. و مال و قدرت این گونه سعادت آور نیست.

ث) نکته لطیف تربیتی در استفاده از یسری و عسری و باز توجه به این نکته که در سوره اعلی فرمود آخرت از نظر لذت های قابل گزینش کیفیت و کمیت بهتری دارد. و بهشت را مرغوب ما کرد.

ج) توجه به نقش پروردگار در تسهیل یا دشوار ساختن علاقه مردم.

تحول مثبت و منفی شخصیت در نظام توحیدی با مشیت خدای متعال در ارتباط است و در این آیه به خوبی روشن می‌گردد که این تحولات معلول نظام و سنتی است که پروردگار بنا نهاده است، به گونه‌ای که نوع عمل (بخشش یا بخل) و نوع صفت نفسانی (تقوا یا استغنی) و نیز نوع اعتقاد (تصدیق نیکی یا تکذیب آن) اثر ویژه‌ای بر شخصیت انسان دارد و انسان با حسن اختیار یا سوء اختیار خود، راه تحول مثبت یا منفی را می‌پیماید.

و پشتوانه آن دو آیه ۱۲ و ۱۳ است: «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ (۱۲) وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ (۱۳)»

۳- مطلب بند ۵ تذکری در باره نقش پروردگار در کنار مهم‌ترین گام‌ها در سیر تحول مردم است: مدثر نزول ۴: كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرُهُ (۵۴) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (۵۵) وَ مَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۵۶)

تکویر نزول ۷: إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۲۷) لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸) وَ مَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

گام هشتم: توان انفاق دارایی‌ها با انگیزه‌های الهی راه تزکیه‌ی اهل تقوا

خدای حکیم پس از بیان برنامه جامع رستگاری مردم و در تعقیب این مطلب که باید انسان خود را از اموری تهذیب کند تا امکان تعالی و رشد را برای خود فراهم آورد، در ادامه برخی از اموری که باید در آنها تزکیه صورت گیرد را بیان کرده است. یکی از آنها مصرف دارایی‌ها در خدمت اهداف صحیح است. چنانکه سوء استفاده از دارایی‌ها و قدرت نشانه تهذیب ناشدگی است. در سوره لیل از متقیانی که دارایی‌ها را تبدیل به فرصت خدمت به مردم و نزدیکی به خدا می‌کنند یاد می‌شود و در سوره فجر از برخوردارهایی که از دارایی‌هایشان برای ستم‌گری استفاده می‌کنند و در نتیجه از تبعات هر گروه یاد می‌کند.

سوره لیل نزول ۹:

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ (۱۴) لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ (۱۵) الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ (۱۶) وَ سَيَجْزِيهَا الْآتِقَىٰ (۱۷) الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ (۱۸) وَ مَا لِاحِدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ (۲۰) وَ كَسَوْفَ يَرْضَىٰ (۲۱)

۱- نکته‌های تفسیری

الف) در این آیه از واژه «آتقی» استفاده شده است؛ زیرا تقوا و پرهیزکاری مراتبی دارد؛ برخی از افراد از اینکه به واسطه مال رو به تکذیب و روگردانی از خدا و رفتار انسانی بیاورند، اجتناب می‌کند و گروهی بالاتر نه تنها

مال آنها را به رویگردانی و تکذیب و رفتار ناشایست در دنیا سوق نمی دهد بلکه موجب گرفتارشدنشان در آخرت هم نمی شود.

ب) اَلَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى

خدای متعال در این آیه نشانه‌ی متقی‌ترین بندگان را بیان می‌فرماید: متقی‌ترین فردی که مالش را می‌دهد تا جانش را آزاد کند. او نگران تکامل خود بوده و با انگیزه تطهیر جان رو به انفاق می‌آورد.

یعنی نه تنها مال او را به رفتار نامعقول و غیر انسانی سوق نمی دهد بلکه او مال را در خدمت مقاصد الهی قرار می دهد. و از این ها پلی برای جلب عنایت ویژه الهی می سازد.

ت) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

بدنبال بدست آوردن چهره پروردگار بلند مرتبه به این معنا است که این گروه توجه خاص پروردگار را می طلبند. پروردگار به همه مخلوقات خود توجه دارد اما بحث از توجه خاص است.

خدای متعال در این آیه به این افراد وعده‌ی رسیدن به مطلوبیشان را می‌دهد، آنچنان که راضی شوند؛ آن هم رضایت به عنایات بزرگ‌ترین صاحب‌اختیار هستی، که عطا و عنایتش به بزرگی خود او است.

۲- نکته های تربیتی

الف) خدای متعال با بیان مصادیق روشن تزکیه و نمودهای عینی آن، انسان را در پیگیری برنامه‌ی تغییر و تحولی که در سوره اعلی فرمود یاری کرده است.

ب) چون حرکت اصلاحی بر پایه‌ی تغییر وضعیت نامطلوب شکل می‌گیرد، خداوند محور تحول را در این سوره بر پایه‌ی انذار و هشدار از گرفتار شدن در آتش جهنم قرار داد: «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى»؛ یعنی اگر آن ترس نباشد، میل به تغییر فروکش می‌کند.

گام نهم: آسیب شناسی رفتار نیازمند تزکیه (سوء استفاده از قدرت و ثروت)

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)

- كَالًا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)
وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۱۸)
وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (۱۹)
وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)
كَالًا إِذَا ذُكَّتِ الْأَرْضُ ذَكًّا ذَكًّا (۲۱)
وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)
وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى (۲۳)
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)
فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)
وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

۱- نکات تفسیری آیات

الف) ثروت و فقر هر دو آزمایش الهی است. و تابع مصالح است. گاهی مصالح اقتضا می کند که آزمایش به وسیله نعمت باشد و گاهی به تنگی و مریضی و ضعف. اما انسانی که تربیت نشده است، از این آزمایش سربلند بیرون نمی آید و به پروردگارش نسبت اهانت می دهد.

ب) اگر بعد از داشتن حال خوب، حالت خراب می شود، باید بدانی که چه اتفاقی در رفتار و باورهای تو افتاده است. باید آن اتفاق و ریشه های چنین برخوردی را مطالعه کنی. خدا به تو اهانت نکرده است، تو خود باعث آن شده ای که چنین برخوردی با تو شود.

از من انتظار دارید که شما را تکریم کنم، در حالی که شما یتیمان مردم را تکریم نمی کنید و با آنان برخورد بزرگووارانه ندارید. وقتی به کسی رحم نمی کنید، نباید از ما انتظار ترحم داشته باشید. شما چشمه ی رحمت را در زندگی تان خشک کرده اید، در نتیجه امروز هم باید شاهد تنگی روزی و معیشت خود باشید.

نکته مهم این که قرآن بر رسیدگی همراه با کرامت و بزرگواری بر امور ایتم تأکید می کند و می گوید: با یتیم باید برخورد مناسب داشته باشید. بچه ی پدر از دست داده از تو ثروت نمی خواهد، بلکه رسیدگی همراه با

بزرگواری می‌خواهد. همان‌گونه که پدر، علاوه بر تأمین امکانات زندگی، نیازهای عاطفی بچه را نیز تأمین می‌کند.

ت) وَلَا تَحْضُونِ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ

در این آیه از واژه‌ی «تَحْضُون» استفاده شده است تا بر ضرورت تشویق دیگران به اطعام مساکین تأکید شود و اطعام مساکین به یک فرهنگ عمومی در طبقه مرفه اجتماع تبدیل گردد.

صاحبان ثروت و قدرت باید بار افراد مسکین و زمین‌گیر را بر دوش بگیرند و کسانی را که حتی توان سیر کردن شکم خود و فرزندان‌شان را ندارد، حمایت کنند. اما وقتی در آنان چشمه‌ی ترغیب کردن دیگران به سیر کردن شکم‌های گرسنه بمیرد، نباید انتظار تکریم خدای حکیم را داشته باشند.

ث) وَتَأْكُلُونَ الْثَرَاتِ أَكْلًا لَمًّا

شما ثروت‌هایی را که فرد با هزار زحمت جمع کرده بود و باید به عنوان ارث به خانواده او می‌رسید، به تاراج بردید و به بهانه‌های گوناگون، مال به ارث رسیده را خوردید.

«أَكْلًا لَمًّا» یعنی جمع کردن مال روی مال و نصیب روی نصیب. طبقه‌ی صاحب ثروت و قدرت، سهم دختران و همسران و فرزندان صغیر را نادیده می‌گرفتند و تمام مال را ضمیمه‌ی مال خود می‌کردند.

ج) وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

این مال را به شما ندادیم که نسبت به آن عشق بورزید و آن را اصل تمییزدهنده دیگر محبت‌ها قرار دهید؛ بلکه این مال بدان جهت به شما داده شده که زندگیتان را با آن سامان دهید و حرکت کنید و ارتباطات انسانی را تقویت کنید؛ اما اگر محبت به مال در مقابل محبت به خدا و محبت‌های والا مثل محبت به انسان و تکامل‌های اجتماعی و انسانی صف کشید، منتظر خوار شدن و سبک شدن باشید. کلمه‌ی «جَمًّا» به معنای چیز زیاد و شدید است و «حُبًّا جَمًّا» به معنای محبت زیاد و شدید است.

۳- نکات تربیتی

الف) انسان تربیت نیافته و کم معرفت به پروردگار و رحمانیت او به مرحله اطمینان به ربوبیت و عدالت او نرسیده اند. از این رو، حتی اگر پروردگار شناس باشد، شناختی ناقص دارد. هنگام نعمت گرفتن به مدح خدا می‌پردازد و هنگام تقلیل نعمت به جای بررسی نواقص خود خدا را متهم می‌کند.

سوره قلم ۲: بل نحن محرومون قال اوسطهم الم اقل لكم لو لا تسبحون .

ب) مسئولیت های افراد برخوردار زیاد است و بعد از آزمایش اگر درست رفتار نکنند بالاخره این نعمت ها باقی نمی ماند. « ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم »
 ت) مطابق آیات ترک انجام وظیفه موجب در خطر افتادن دارایی ها (عزت ، قدرت ، ثروت و ..) است. وستم مالی اثر خود را در دنیا خواهد گذاشت و رنج و ناآرامی ها را بدنبال دارد.

آیات ۲۱ تا ۲۶

(كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا) ﴿۲۱﴾ نه چنین نیست آنگاه که زمین، سخت در هم کوبیده شود.

(وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا) ﴿۲۲﴾ و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف به صف آیند.

(وَجِئَآءِ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۚ یَوْمَئِذٍ یَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى) ﴿۲۳﴾ و جهنم را در آن روز

[حاضر] آورند، آن روز است که انسان پند گیرد ولی چه جای پند گرفتنی؟

(یَقُولُ یَلِیَّتَنی قَدَمْتُ حَیَاتِی) ﴿۲۴﴾ گوید: کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم.

(فِیَوْمَئِذٍ لَا یُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا) ﴿۲۵﴾ پس در آن روز هیچ کس همچون عذاب کردن او (خداوند)

عذاب نمی کند.

(وَلَا یُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدًا) ﴿۲۶﴾ و هیچ کس چون دربند کشیدن او (خداوند) دربند نمی کشد.

۱- نکات تفسیری

الف) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

با عبارات کوبنده و شدید سخن می گوید. «دک» به معنای کوبیده شدن است. هنگامی که زمین با زلزله های شدید کوبیده می شود، تا این که کوه ها کاملاً از بین بروند. نمونه این پیش بینی نسبت به وقایع روزهای واپسین دنیا در سوره ی تکویر و مدثر گذشت.

ب) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

قرآن در این آیه انسان را به صحنه‌ی قیامت منتقل می‌کند که در آن‌جا پروردگار با ملائک، همه به «صف» می‌آیند. گفتنی است که این تعبیر برای تقریب به ذهن است، برای این‌که تصویری از این مرحله در ذهن داشته باشیم: ملائک به صف می‌آیند، پروردگارت می‌آید و دادگاه قیامت برپا می‌شود.

ت) وَجِئَآءِ يَوْمَئِذٍ نَجْهَنَّمَ

اتفاق بعد، آمدن جهنم است. تعبیر «جی‌ء» اشعار دارد که گویا جهنم در مکانی است و سپس آورده می‌شود تا پس از رسیدگی به اعمال، گروهی برای مجازات در آن افکنده شوند.

ث) يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ

بعضی ثروتمندان این قدر بلوغ فکری و بیداری ندارند که حکمت‌ها و علت تحولات زندگی امروز را تحلیل کنند و با دیدن آن‌ها متذکر شوند یا از تذکر رسول ما پند گیرند و بیدار شوند. بر این گروه باید زمان بگذرد، قیامت برپا شود، تا باطن و آثار و عواقب عمل خود را ببینند، جهنم و عذاب‌های دهشتناک آن را با چشم ببینند تا متذکر شوند.

ج) وَاَنۡى لَّهٗ الذِّكْرٰى

اما تذکر در آن‌جا چه فایده‌ای دارد؟ وقتی که همه‌ی فرصت‌ها از دست رفته و شخص غافل در مقابل جهنم قرار می‌گیرد، دیگر پشیمانی و شرمندگی سودی ندارد.

ح) يَقُولُ يَلِيَّتِنِىۤ اَقْدَمْتُ لِحَيَاتِى

این اشخاص هنگامی که با این حقایق مواجه می‌شوند، می‌گویند: ای کاش برای زندگی‌مان چیزی از پیش می‌فرستادیم. هر چند این انسان با دیدن این صحنه‌ها پشیمان می‌شود و از خواب غفلت بیدار می‌شود، اما پشیمانی سودی ندارد.

عبارت «اَقْدَمْتُ لِحَيَاتِى» گویای این نکته‌ی لطیف است که انسان غافل در قیامت می‌فهمد که آنچه در آخرت می‌بیند، پیش‌فرستاده‌های زندگی دنیوی او است و این، اعمال او است که کیفیت زندگی اخروی را شکل می‌دهد.

مراد از حیاتی؛ «حیات من»، یعنی زندگی جدیدی که الان در آن حضور پیدا کرده‌ام. شخص غافل وقتی با نظام آخرت مواجه می‌شود، حقایق را می‌بیند و به آن‌ها اعتراف می‌کند، بلکه می‌فهمد که حیات واقعی، حیات آن جهانی است و حیات دنیا نسبت به حیات آن جهان، اصلاً حیات نیست.

ما در زندگی عادی هم نظیر این داوری را داریم. مثلاً دوره‌ی جنینی که نه ماه طول می‌کشد، بخشی از زندگی ماست؛ اما هنگامی که آن را با بعد از تولد می‌سنجیم، آن را زندگی و حیات به حساب نمی‌آوریم؛ لذا سال تولد بعد از ولادت فرزندان محاسبه می‌شود و بودن در رحم مادر به‌عنوان بخشی از حیات و عمر به حساب نمی‌آید.

خ) **فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ**

خدای قادر باز در اینجا با پیامبر خود در مورد شدت عذاب و سختی برخورد با این دسته از ثروتمندان، سخن می‌گوید: «در آن روز هیچ کس مانند خدا عذاب نمی‌کند و هیچ کس همچون او به بند نمی‌کشد». هرگونه عذاب و شکنجه‌ای که تصور کنی، بالاتر از آن، در عذاب پروردگار متعال ظهور می‌یابد. گفتنی است خداوند برای نشان دادن عظمت عذاب قیامت، از آن به صورت مجمل یاد می‌کند: **لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ**. چنان‌که گاهی در مدح هم با چنین واژه‌هایی از قرآن روبرو می‌شویم، مثلاً در سوره‌ی سجده وقتی صحبت از نعمت‌های بهشتی می‌شود، خداوند می‌فرماید: **فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ**؛ هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آن‌چه روشنی بخش دیدگان است، برای آنان پنهان شده است.^۱

چ) **وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ**

باز هم در زمینه گرفتارشدن و به بند کشیده‌شدن این اصحاب ثروت و قدرت، قرآن می‌فرماید: «هیچ کس همچون خداوند به بند نمی‌کشد».

استفاده از عباراتی ترسناک در باره عذاب‌های سخت گیرانه و بستن انسان‌ها در خطاب به انسان‌های برخوردار و تهنید نشده، بدلیل تناسب با این قشر و گفتار در باره این گروه است زیرا اینها در دنیا دستانشان باز و لذت‌هایشان زیاد است. از این رو از رنج‌ها و بسته‌شدن‌ها در آن جهان گفتگو کرده است.

۲- نکات تربیتی

الف) ممکن است به هر دلیل فرد یا افرادی در دنیا تنبیه نشوند و این تنبیه به نسل و ذریه آنها منتقل شود اما خود این گروه در رستاخیز تنبیه شوند. از این رو لازم است تا تبعات ستم‌های اقتصادی و انسانی این گروه در آخرت

^۱ سجده / ۱۷.

با ادبیاتی که کاملاً در تضاد با وضعیت فعلی و آسایش امروز آنهاست بیان شود تا بلکه این هشدارها آنها را اصلاح کند.

ب) خدای متعال مراحل شکل‌گیری خطرناک و سخت آخرت را با انتخاب قطعات کوبنده و دهشتناک بیان می‌کند. کوبیده شدن کوهها، آمدن پروردگار و صف‌های فرشتگان، زندگی را همان آخرت بشمار آوردن (تا به کمیت و کیفیت بالای آخرت توجه دهد) عذاب را به خدا و بستن را به او نسبت دادن با عبارت هیچ کس مثل او به بند نمی‌کشد.

ت) با این ادبیات می‌توان ثروتمندان و برخوردارانی را که خود را تهذیب نکرده‌اند، هشدار داد. و ترس از عدالت خدا را در دنیا و سخت‌گیری او در آخرت را متذکر شد. به این خاطر که مستی قدرت و ثروت این گروه با سیلی‌های شدید و سخت و یادآوری رنج و الم‌های رستاخیز مرتفع می‌شود.